

### متن پرسش

سلام: عرض ادب و احترام- اخیرا کلیپی در فضای مجازی دیده شد، جوانی که ظاهری غیر متشرع دارد بدون بی احترامی به عکس آقا امیرالمومنین علی علیه السلام در مقابل القاعده با کمال شجاعت تن به مهلکه می دهد و ... در طرف دیگر این قضیه شیخ حوزوی است که با عناوینی مثل تقیه جان خود را حفظ می کند. سوال اینجاست که در این تاریخ ما در همراهی با کدام یک از این شخصیت ها می توانیم طی مسیر کنیم؟ با چه نگاهی می توان با این نوع شخصیت هم افق شد؟ آیا قصه قصه عقل و عشق است که همیشه بوده است یا قصه قصه ی دیگری است؟ و در پایان اگر بخواهیم این حضور را در تاریخ خود جستجو کنیم به چه کسانی در گذشته و حال خود باید توجه کنیم؟ یا حق

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در زیر آن کلیپ مطلب زیر را نوشتم:

وقتی که انسان‌ها با انس با مولایمان علی علیه السلام در جهانی ماورای جهان مناسبات مادی زندگی خود را حاضر کنند، آن‌ها را چه باک از مردن این جهانی؟ زیبایی کار این جوان از اینجاست که حاضر بوده کشته شود ولی از انس مستقیم با مولایش دست نکشد. با این حال حضرت در عین انس بیشتر با او، او را به این جهان برگرداندند تا راهی برای ما نشان دهد که چگونه می‌شود با امامی معصوم و نظر به سیره‌ی او همواره حتی اگر در این جهان هستیم در جهانی که امام حاضر اند زندگی کنیم.

از آیت الله بروجردی «رحمت‌الله‌علیه» پرسیدند مگر از نظر فقهی لطمه‌زدن بر بدن خلاف شرع نیست؟ پس چرا عزاداران امام حسین «علیه‌السلام» این‌طور به بدن‌شان لطمه می‌زنند و شما هم با آن‌ها همراهی می‌کنید؟ در جواب فرمودند: «ملت عشق از همه دین‌ها جداست». آری! به گفته‌ی جناب مولوی:

تو ز سرمستان قلاووزی مجو

جامه‌چاکان را چه فرمایی رفو

ملت عشق از همه دین‌ها جداست

بعضی‌ها از زندگی بهشت می‌جویند و آن‌ها به کمک فقه و فقاہت به آن می‌رسند، ولی عده‌ای هم از خدا این‌طور تقاضا می‌کنند: «از درِ خویش خدایا به بهشت مفرست / که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس».

بعضی‌ها سرعتِ رفتن به بهشت خود را زیاد می‌کنند مثل آن صحابی که به رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» عرض کرد چگونه بر سرعت حضور در بهشت بیفزاید، و حضرت فرمودند: سپر خود را بیفکن و با دو شمشیر و بدون زره به قلب دشمن بزن. آن جوان عزیز گویا این راه را بهتر از آن شیخ فقیه آموخته بود. و این از جنس روح و روحیه‌ی حضرت روح الله ما است که فرمود: «والله من تا حال نترسیده‌ام». این است راهی که انسان میهمان امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» می‌شود وقتی در عین شجاعت، حکمت را نیز در کنار خود داشته باشد. آن جوان عزیز عرب خوب می‌داند که راهی برای شکست روحیه‌ی داعشی‌ها بهتر از آن که با اسلحه آن‌ها را بکشد، در عالم هست. آری! «زان‌که بی‌شمشیرکشتن کار اوست». موفق باشید